

۱. ن روزها مصادف با سالگشت شهادت سردار قاسم نصرالملهی کی از اسوه های عرصه های جهاد و مقاومت و پا داری است شهید قاسم نصرالملهی به حق اسم با مسمائی داشت. او نصرت الهی را در ذات خود تجربه و نهاد نه کرده بود. برای روزی انقلاب اسلامی سر از پا نمی شناخت. در مبارزات دانشجویی و شگام تر از همه بود. زمانی که در محیط دانشجویی برپای نماز جماعت جرم و اقدام علیه امنیت کشور و نظام شاهنشاهی بود او به شنماز می شد. کمتر واهمه داشت و ترس به خود راه می داد. در بین دانشجویان، چهره ای برجسته بود همه او را دوست می داشتند و با اسم کوچک او را صدا می زدند در برنامه های کوهنوردی به پای آخرین فرد می آمد، هر چند از لحاظ جسمی و توان کوهنوردی از همه قوی تر بود. دعاهای او در هر مراسمی زبان زد بود. بویژه دعای خاصی که برای ظهور ذی وجود امام زمان می سرود. او همه خواسته های انقلابی و تکلیف بر ارزش های اسلامی را در این دعا جمع می کرد و ادای امام راجل (ره) را هم. انسانی مسئولی، متعهد و با ایمان بود.

با پذیرش روزی انقلاب اسلامی، لحظه ای متوقف ننماند. در تلاطم های سیاسی اوایل پذیرش روزی انقلاب چون کوهی مستحکم و استوار در مقابل جریان انحرافی استادگی کرد، رهبر و راستین راه امام (ره) بود و در هر شرایطی مقتداش امام (ره) بود.

به مجرد آن که برای تضعیف و از پا درآوردن انقلاب اسلامی، اولین درگیری های قومی و محلی را ایجاد کردند به کردستان شتافت. او که در رشته مخابرات درس خوانده بود و موقعیت خوب اداری در انتظارش بود، لحظه ای درنگ به خود راه نداد و رفتن را بر ماندن ترجیح داد و طبق اظهار یکی از دوستان، در ملاقاتی که با وزیر وقت وزارت پست و تلگراف و تلفن آن روز داشت مذاکره ای انجام داد، بر رفتن خود اصرار ورزید و دیگر به پشت سر خود هم نگاه نکرد.

او سال ها فرمانده سپاه مروان و سال ها فرمانده سپاه بانه بود. آن چنان با مردمان وفادار کرد آن دو داری زندگی و مبارزه کرد که هنوز پس از سال ها، اتمام جنگ و درگیری، نام و اد او را با قداست اد می کنند. مردم محروم و مظلوم کردستان او را پناهگاهی امن برای خود می دانستند و هنوز اد سرداران و فرماندهانی چون شهید قاسم نصرالملهی، براشان آرامش بخش است. چرا که می دیدند سینه سپر او سپر تهاجم کوردلانی است که چشمشان قدرت دین خورشید را ندارد و از نور گرزان هستند و به ظلمت عادت کرده اند.

اخلاص، تواضع، رشادت، پا داری، مقاومت، خستگی ناپذیری، اعتقاد و ایمان راسخ به راه نورانی امام راجل (ره) او را و ژبه می ساخت و این ویژگی ها چهره ای تابناک و صمیمی در قامتی سرومانند از او در میان مردمان خسته، اما زنده دل و وفادار و سرسخت و نجیب کرد ساخته بود.

او در واپسین روزهای پذیرش قطعنامه و پایان افتن جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، دعایش مستجاب شد و به داری معشوق شتافت. آنچنان سبک بال رفت که حتی اطراف انش صدای بال و پروازش را نشنیدند و امروز یک لحظه دین رفتنش و پروازش را حسرت می کشند و این چنین است عاقبت کسانی که با خدای خود عهد کردند و بر سر تعهد خود شایسته استقامت ورزیدند.

تاریخ نگارش مطلب: 03/06/1389